دکتر جلال متینی (نیویرك)

سخنی چند در بارهٔ کتابخانه‌ها

دکتر جلال متینی استاد و معاون دانشکدهٔ ادبیات مشهداز اوستادان فاضل و ارجمند و با اخلاق است و اکنون چندی است بدعوت دانشگاه یوتا (امریکا) در بخش تحقیقات مربوط بخاورمیانه تدریس می کند. موضوع کاراو معرفی فرهنگ و ادبیات و کتاب های ارجمند فارسی است .

از آثار علمی دکتر متینی تصحیح کتاب هدایة المتعلمین است درطب، که در تألیفات تحقیقی، جایزهٔ سلطنتی را برده است . چون انتخاب کتاب واهداء جایزه سلطنتی درغیبت دکتر بوده‌است باو مژده می‌دهیم وتبریك می گوئیم. (مجلهٔ یغما)

سالهاست که درایران نویسندگان وسخنرانان دربارهٔ اهمیت فوق‌العادهٔ کتاب ، لزوم تأسیس کتابخانه‌های جدید برای کودکان و جوانان و مردم شهرها و روستاها ، توسعهٔ کتابخانه‌های موجود واختصاص بودجهٔ کافی برای تکمیل آنها ، و تأسیس کلاسهای کتابداری وتربیت کتابداران متخصص وامثال آن ، برای بالابردن سطح دانش مردم کشورما ، بمناسبت تذکرات مفیدی داده‌اند ودرچند سال اخیرنیز با اعلام هفته‌ای در سال بنام «هفتهٔ کتاب» ویا تعیین بهترین کتاب سال وتعیین جوائزی برای نویسندگان ومؤلفان کتب ممتاز سال نیز توجه عامهٔ مردم واهل فضل رابیش از گذشته باهمیت کتاب جلب کرده‌اند. آنچه دراین زمینه انجام شده همه درخورتمجید است ولی تا آنجاکه نویسندهٔ این سطور اطلاع دارد درمورد یك امر بسیارمهم در زمینهٔ کتاب و کتابخانه درکشور ما هنوز اقدامی نشده است . این موضوع مهم نحوهٔ استفاده ازکتابخانه‌های عمومی شهرها وکتابخانه‌های مدارس و دانشکده‌های ماست . نمی‌دانم درموردکتابخانه‌های عمومی روی سخن باید با وزارت آموزش وپرورش باشد ، یا باوزارت فرهنگ و هنر، ویا با شهرداری‌ها ، اما در مورد کتابخانه‌های وابسته بمؤسسات آموزشی اعم ازدبیرستانها ودانشکده‌ها ودانشگاهها ودیگر مؤسسات تعلیمات عالیه مملکت ، که خوشبختانه تعدادشان روبافزایش است ، یقیناً روی سخن با مسؤولان دانشگاههای کشور و وزارت آموزش وپرورش است .

آنانکه با کتابخانه‌های ما سر وکار دارند بخوبی واقفندکه در بسیاری از تشکیلات اداری ما، کتابخانه ازنظر گردانندگان تشکیلات اداری ، اداره‌ایست نظیرادارات بایگانی

وکار پردازی و دفتر، وجودش لازم است چون حداقل بر تعداد ادارات ابواب جمعی آن مؤسسه می‌افزاید، بعلاوه نظیر دیگرادارات ، رئیسی نیزمی‌خواهدکه داشتن تخصص در امر کتابداری و کتابشناسی را برایش ضروری نمی‌دانند همچنانکه ممکن است رؤسای بسیاری ازادارات دیگرهم درکارخود تخصصی نداشته باشند. درهرحال چون کتابخانه‌اداره‌ای بحساب می‌آیدکه رئیسی دارد و مراجعانی ، بیك معاون ، چندکارمند بنام کتابدار ، مخزن کتاب ، اطاق مطالعه و مقداری کتاب نیز احتیاج پیدا میشود وچون این مقدمات فراهم شد مسؤول دستگاه نفسی براحت می‌کشد وتصور می‌کندکه دیگر کار تمام شده وباب علم ودانش در آن مؤسسه بروی طالبانش گشوده شده است .

پس ازاین مقدمات نوبت بهره‌برداری ازکتابخانه می‌رسد یعنی‌علت اساسی و غائی از تأسیس کتابخانه‌ها، تادرکتابخانه‌های عمومی مردم شهرودرکتابخانه‌های مدارس‌ودانشکده‌ها دانش‌آموزان ودانشجویان ازآنها استفاده‌کنند . بنظر نگارنده مشکل اساسی کتابخانه‌های ما مربوط بهمین‌قسمت‌است‌که از وسائل وموارد موجود درکتابخانه بحداقل استفاده می‌کنیم، وبرخی بی‌سلیقگی‌ها واحتمالا بی‌علاقگی‌ها ووجود بعضی ازمقررات مزاحم کاربهره گرفتن‌از کتاب رابرای عموم مردم و بخصوص‌برای دانشجویان‌تابدان‌حد دشوارساخته است‌که مراجع کتابخانه ازهرطبقه‌ای‌که باشد ازخیرکتاب خواندن می‌گذرد، وهمین امرموجب می‌شودکه کتابها گرچه معدودهم باشد ماهها وسالها درطبقه‌های‌کتابخانه بلا استفاده می‌ماند ، آب در کوزه است وتشنه لبان بگردجهان می‌گردند.

بعقیدهٔ نویسنده ، مشکل عموم مراجعان بکتابخانه‌ها وبخصوص دانشجویان ما درچند قسمت زیرین خلاصه می‌شود:

۱ـ محدود بودن ساعات‌کارکتابخانه‌ها .

۲ـ تعطیل بودن‌کتابخانه‌ها در روزهای تعطیل اعم از روزهای جمعه، ودیگر تعطیلات ملی‌ومذهبی .

۳ـ عدم امکان مطالعهٔ کتاب کتابخانه در خارج ازکتابخانه (قرض ندادن کتاب بدانشجویان ومراجعات برای مطالعه درخارج ازکتابخانه) .

٤ـ انحصار کتابخانه‌های دانشکده‌ها و دانشگاهها به استادان و دانشجویان و عدم دسترسی دیگر افراد بدانها .

۵ـ دردرجهٔ‌آخر، عدم‌امکان‌استفاده‌ازکتب‌کتابخانهٔ شهرهاومؤسسات‌دانشگاهی‌دیگر.

همهٔ‌کسانی‌که بادانشجویان وجوانان ما تماس دارند و از نزدیك بمشکلات ایشان در امرتحصیل واقفند بدین حقیقت پی برده‌اندکه قسمتی ازمشکلات ایشان مربوط بطرز ادارهٔ کتابخانه‌های ماست ، زیراباکمال تأسف بسیاری ازکتابخانه‌های مابرای انجام وظیفهٔ بسیار مهمی‌که بعهده دارند فاقد تحرك لازم می‌باشند. دانشجوبرای انجام تکالیف درسی‌خودناچار است وباید بکتب مختلف مراجعه‌کند واین‌کاری است‌که بی‌وقفه باید انجام شود. اگرفرصت استفادهٔ ازکتابخانه را ازدانشجوبگیریم ، چنانکه سالهاست تقریباً بدین شیوه عمل‌می‌کنیم ، دانشجوناچار است فقط بمطالبی‌که از استاد درکلاس درس می‌شنود و بطور ناقص از آنها یادداشت تهیه می‌کند اکتفانماید، وهمین امر است‌که بارها ازطرف افراد نکته سنج حقیقت بین مورد انتقاد قرارگرفته است . اگربخواهیم این‌مشکل بطورکامل رفع شود چاره‌ای جز

این نیست که استاد در کلاس ببحث درباب رؤس مطالب درس بپردازد ومآخذی رادر هرجمله برای مراجعهٔ دانشجویان تعیین کند تاخود دانشجو آنها را بدقت بخواند ونکات لازم را از آنهایادداشت کند، یعنی بهمان شیوه‌ای عمل کند که امروزدر دانشگاههای بزرگ دنیامتداول است . تصورکنیم در ایران استادی بخواهد بدین شیوه تدریس کند ودانشجو را در جریان تحقیق ومطالعه قرار بدهد و بآنچه خود در کلاس درس گفته است بسنده نکند، مشکلاتی که در راه چنین عملی‌موجود است چیست ؟ علاوه برآنکه ممکن است برخی ازکتب مورد نیاز در کتابخانه نباشد، استفاده ازکتب موجود درکتابخانه نیز بسادگی برای دانشجویان میسر نیست، وآنچه بنده دراین مختصر برای جلب توجه مسؤولان امر باطلاع می‌رساند، مربوط بـدین موضوع است که چه کنیم تاتشکیلات کتابخانه‌های ما، بی‌آنکه ببودجهٔ اضافی‌واستخدام کارمند جدید نیازمند باشند، بیشتروبهترمورد استفاده واقع شوند.

همچنانکه گذشت یکـی از مشکلات مهم کتابخانه‌های ما محدود بودن ساعات کار آنهاست. ساعت‌کاراکثر کتابخانه‌ها تقریباً باساعت‌کار دیگر تشکیلات اداری تابع‌آن مؤسسه برابراست ویاحداکثر دربرخی ازمؤسسات کتابخانه یکی‌دوساعتی بیش از ادارات دیگر کار می‌کند، و در روزهای تعطیل نیز که کتابخانه می‌تواند و باید بنحو شایسته‌ای مورد استفاده مراجعان قراربگیرد بطورکلی تعطیل است . در درجهٔ نخست لازم است ساعت‌کار کتابخانه‌ها بحداکثرممکن افزایش یابد. دراین مورد باید دید در دانشگاههای‌کشورهای دیگر ویا در کتابخانه‌های عمومی دیگرممالك بچه ترتیب عمل می‌کنند، چون اقتباس‌کارصحیح وخوب از هرکس وازهرجا پسندیده است . دردانشگاههای آمریکاکه درچند ماه اخیر در بعضی ازآنها کارکرده‌ام وبمطالعه مشغول بوده‌ام ، کتابخانه درپنج روز هفته (ازروز دوشنبه تاروز جمعه) یك سره هرروز بین دوازده تاچهارده ساعت ونیم بازاست ودرتمام این ساعات دانشجویان و دیگرافراد مجاز می‌توانند برای مطالعه بکتابخانه مراجعه کنند. البته ساعت کار کتابخانه‌ها در روزتعطیل شنبه ویکشنبه محدودتراست بدین ترتیب که کتابخانه در روز شنبه بین شش تا هشت ساعت ودر روزیکشنبه بین‌ده تادوازده ساعت بازاست . برای مثال ساعت کارکتابخانهٔ عمومی* (Butler Library) دانشگاه‌کلمبیا را ذیلاً ذکرمی‌کنم :

روزهای دوشنبه تاجمعه	ازساعت ۳۰–۸ صبح تا ۱۱ بعد از ظهر
روزهای شنبه	« « ۹صبح « ۵ « «
روزهای یکشنبه	« « ۱۲(ظهر)«۱۰ « «

ساعت‌کار کتابخانه‌های دانشگاه یوتا ، دانشگاه‌کالیفرنیا دربرکلی (U.C.) ، دانشگاه کالیفرنیا درلوس‌آنجلس (U.C.L.A) دانشگاههای نیومکزیکو، تکزاس، کلمبیا و پرینستون نیزدرهمین حدود است . وقتی‌مردمی که درهفته دوروزتعطیل دارند وباستراحت و گردش‌نیز بسیارعلاقه‌مندند ودرهفته بیش ازسی‌وپنج ساعت‌کار نمی‌کنند وازیك روز مرخصی سالانهٔ خود نیز کمترمی‌گذرند وهمه برنامه‌های مؤسسات دولتی‌وملی براساس حفظ حقوق مردم از نظر مراعات ساعت‌کارتنظیم می‌شود، درکارکتابخانه‌های خودتا بدین حد استثناء قائل می‌شوند و کتابخانه رانیزچون‌کلیسا وبیمارستان همواره مفتوح نگه می‌دارند.

---

* خواننده ارجمند توجه داردکه در اکثر دانشگاهها علاوه برکتابخانه مرکزی و عمومی دانشگاه هریك از بخشها نیزکتابخانه‌ای اختصاصی‌دارند با ساعت‌کارمعین که‌تقریباً با ساعت‌کارکتابخانه مرکزی چندان اختلافی ندارد .

باید توجه داشت که موضوع تا چه حد حائز اهمیت است . تصور نشود که این موضوع فقط در کتابخانهٔ دانشگاهها مراعات می‌شود، خیر، کتابخانه‌های عمومی در شهرها نیز با جزئی اختلاف بهمین نحو عمل می کنند ، فی‌المثل کتابخانه عمومی شهرهای سالت‌کیك (مرکز ایالت یوتا) ، لوس‌انجلس ، استین ، دالاس ، و نیویورك که من گذارم به آنها افتاده است حتی در روزهای تعطیل بازاست . حساب مسؤلان این کتابخانه‌ها کاملاً درست است چون اکثر مردم در ایام هفته در تلاش معاشند، وفقط یادوساعات بعداز کار اداری و یا درروزهای تعطیل می‌توانند از کتابخانه استفاده کنند . بسیاری از مردم کشور ایران ودانشجویان دانشگاههای ما نیز که طالب خواندن کتاب هستند آرزومندند که درساعات فراغت خود و پس ازانجام کارهای اداری چند ساعتی رادر کتابخانه بگذرانند ، ولی وقتی ساعت کار کتابخانه‌های ما ازهشت صبح شروع می‌شود و در چهارونیم یا شش ونیم بعدازظهر پایان می‌پذیرد وظهرهم کتابخانه بمدت دوسه ساعت تعطیل است ، مراجع بیچاره چگونه می‌تواند از این همه کتابی که درقفسه درکنار هم قراردارد و ما دل خود را بداشتن آنها خوش کرده‌ایم ودرآمارهای خود تعدادآنرا برخ این وآن می کشیم استفاده کند . دانشجویان ما حتی در رشته‌هائی بجز گروه پزشکی وفنی بطور متوسط روزی سه تاچهار ساعت در کلاس درس حاضر می‌شوند وبسیاری ازایشان حداقل چند ساعتی در روزکار می کنند ، یاکارمند رسمی دولت ، و یـا کارمند مؤسسات ملی هستند ، و در دانشکده‌های گروه پزشکی وفنی مجموع ساعت کاردانشجویان در روز ، درلابراتوار ،کارگاه بیمارستان وحضور درکلاس از روزی شش هفت ساعت نیز تجاوز می کند ، درچنین وضعی است که دانشجویان ما ناچار دراکثر اوقات باید بدیدن عمارت کتابخانه در موقع ورود وخروج به دانشکده اکتفا کنند چون دستگاه کمتر فرصت استفاده از کتابخانـه را بدیشان مـی‌دهد . شگفت آن که ما معلمان نیزمی‌نالیم که چرا دانشجویان کتاب نمی‌خوانند ، چرا تکالیفی راکه استاد تعیین می‌کند انجام نمی‌دهند وچرا بآنچه معلم درکلاس درس می گوید اکتفا می کنند ودهها چرای دیگر. برای حل این مشکل شایدببودجهٔ اضافی نیزاحتیاج نداشته باشیم چون هرمؤسسه بهمان سبکی که دردانشگاههای دنیا معمول است می‌تواند برای کارمندان کتابخانه‌اش برنامه‌ای ترتیب بدهد تاایشان بنوبت از صبح اول وقت اداری تاآخروقت درکتابخانه حاضر شوند، ضمناً درصورت لزوم ازوجود دانشجویان کلاسهای بالاتردانشکده که داوطلب کارکردن دردانشکده هستند نیز می‌توان استفاده کرد تا بهمراه کتابدار دانشکده کارها راانجام بدهند.

مشکل مهم دیگر کتابخانه‌های ما آنست که چون برطبق مقررات مالی جاری درمدارس ودانشگاههای دولتی کتاب جزء اموال دولتی محسوب می‌شود ، مقررات مربوط بعدم خروج اموال دولتی از ادارهٔ دولتی بشدت وحدت تمام دربارهٔ آن بموقع اجرا گذاشته می‌شود . در سالهای گذشته آنان که بفکر حفظ اموال دولت بودند وحق هم همین بوده است و باید باشد، مقرراتی دراین زمینه و بطورکلی وضع کرده‌اند ، ولی امروز چرا دانشجویان ما باید چوب این مقررات نادرست را درکتابخانه‌ها بخورند ؟ آخر باید حقیقت را پذیرفت . درروزگار ما که همه کشورها در راه توسعهٔ علم ودانش بسرعت گام برمی‌دارند نمی‌توان ونباید کتابهای کتابخانه رابا میزوقفسهٔ کتابخانه و بخاری نفتی ومبل‌وصندلی و فرش یك مؤسسهٔ دولتی دریك ردیف قرار داد . آیا مؤسسات دانشگاهی ما هریك باهزار زحمت و خون دل چندین هزار جلد کتاب خریداری کرده‌اند تاروزی شش هفت‌ساعت آنهارافقط در محل کتابخانه دراختیار

مراجعان قرار بدهند و بعد با خیال راحت کتابهای بی‌زبان را بمدت شانزده هفده‌ساعت در کتابخانه حبس کنند تا بر خلاف مقررات مربوط بحفظ اموال دولتی کاری نکرده باشند ؟ دانشکده های ما از بیست سال پیش که خود نگارنده بعنوان محصلی دریکی ازآنها تحصیل می‌کرد تا بامروز همواره درصدد بوده‌اند که برای این مشکل راه حلی بجویند ، زمانی گفتند اگر از کتابی در کتابخانه نسخهٔ مکرر داشته باشیم بمعرفی استاد و با سپردن قیمت کتاب بکتابخانه ، یك جلد کتاب را برای مدت چند روز می‌توان بامانت به دانشجو داد ، گاهی در اول سال تحصیلی برخی‌ازدانشجویان مبلغی تاحدود یك هزارریال بامانت بکتابخانه داده‌اند تااز نسخ مکرر کتابخانه تاحدود همان‌یك هزارریال کتاب بامانت‌بگیرند ودرخارج‌از کتابخانه‌مطالعه کنند ، زمانی برخی‌ازاستادان ناچارمی‌شوند کتابهای موردنیازدانشجویان را بنام‌خوداز کتابخانه‌بامانت‌بگیرند ودراختیاردانشجویان قرار بدهند . درتمام‌این‌مواردبطوری که ملاحظه می‌شود نقص مقررات موجب شده است که دانشکده‌ها براه حلهای موقتی و غیر اصولی متوسل شوند ، ولی تا بامروز این مشکل در دانشگاهها و کتابخانه‌های عمومی ماحل نشده‌است ، چون در اکثر موارد خارج کردن کتاب وقرض دادن‌آن ، علاوه بردیگرشرایط بدین موضوع موکول گردیده است‌که از یك‌کتاب نسخ متعدد درکتابخانه موجود باشدخوب میدانیم که قلت بودجهٔ خریدن کتاب بما اجازه نمی‌دهدکه از همه‌کتابها ویا ازکتابهائی‌که بیشترموردلزوم است‌نسخ‌متعددخریداری‌کنیم و بعلاوه‌پرداخت وجه‌الضمان (یا بهراسم دیگری آنرا بخوانیم) برای بیشر دانشجویان ما ممکن نیست . با استفاده از این‌طریق نیزحداکثر از کتب تقریباً ارزان قیمت و تا حدود یکی دوجلد می‌توان بامانت گرفت .

برای رفع این مخطور شاید علاوه بر اقدام مشترك وزارت‌آموزش وپرورش و وزارت فرهنگ وهنرودانشگاهها ، جلب موافقت مقامات مالی مملکتی نیزلازم باشد ، زیرا تاآنجا که بیاد دارم تا سه‌چهار سال پش‌که آقای دکترعلی‌اکبرفیاض‌استاد دانشمند دانشگاه‌تهران ریاست دانشکدهٔ ادبیات مشهد را بعهده‌داشتند درمذاکرات‌خودبا وزیر فرهنگ وقت‌کوشش بسیار کردند تا ازدستگاههای مسؤول‌مالی، مجوزی رسمی برای‌قرض دادن‌کتاب بدانشجویان بدست بیاورند تابدین وسیله سدی ازراه دانشجویان برداشته شود ، ولی دراین زمینه‌توفیقی حاصل نشد . نگارنده معتقد است دراین مواردلازم‌است از طرف مقامات مسؤول اقدام فوری بعمل بیاید ، زیرا ما با بودجهٔ دولت یا بودجهٔ اختصاصی ، برای رفع احتیاج دانشجویان در دانشکده‌ها کتاب می‌خریم، نه‌آنکه‌کتابها علاوه برروزهای تعطیل ، در بقیهٔ ایام هفته نیز در هرروز شانزده تا هفده ساعت در حبس باشد وخوانندهٔ شائق ودانشجو بعلت‌آنکه دستگاه کتاب را هنوز در ردیف مبل و صندلی بشمار می‌آورد نتواند ازآن استفاده‌کند .

درهمین دانشگاههائی که قبلا عرض کردم، باستثنای کتابهای مأخذ (Reference) نظیر فرهنگها دائرةالمعارفها، اطلس‌ها،وبیوگرافی‌هاوامثال آن که‌درسالن‌خاصی‌قراردارد‌واز آنها فقط درمحل‌کتابخانه می‌توان استفاده کرد، برای قرض‌دادن‌کتاب بدانشجویان ودیگرافراد مجاز مقرراتی دارند بدین ترتیب‌که‌کتابهای‌کتابخانه را از دوساعت تا دوهفته و چهارهفته وحتی مدت بیشتر بدانشجویان قرض‌می‌دهند(اعم ازدانشگاهها وکالجهای دولتی وغیر دولتی) بدین طریق‌که دانشجو فقط باارائه کارت دانشجوئی خود علاوه برآنکه می‌تواند در هرروز

تاحدود چهارده ساعت متوالی ، کتب موردنیاز خود را درتالارکتابخانه مطالعه کند، مقررات باواجازه می‌دهد که بی‌پرداخت حق‌الضمان یا واسطه قراردادن استاد خواهش کردن اززید وعمرو و توسل براههای غیر معقول ، کتابهای مورد احتیاجش را ازکتابخانه بگیرد و در خانه آنها را مطالعه‌کند ، بی‌توجه بوجود نسخ مکـرر ازیك‌کتاب درکتابخانه البته علاوه برکتابهای مأخذ درمورد برخی دیگر ازکتابها نیز محدودیتهائی وجود دارد و ازآن‌جمله کتابهائی است‌که ازطرف استاد هردرس بعنوان کتاب درسی مورد مراجعهٔ عموم دانشجویان یك رشته بکتابخانه صورت داده می‌شود ، این قبیل کتابها درمحل مخصوصی بنام Reserve نگهداری می‌شود . این‌کتابها را نیزبعلت‌آنکه مورد احتیاج‌عموم دانشجویان یك‌رشته برای مدت معینی است ، فقط درسالن‌کتابخانه می‌توان مطالعه‌کرده ، ولی دستگاه عاقل کتابخانه برای آنکه همین‌کتابها نیز بحداکثر مورد استفاده قراربگیرد چاره‌ای اندیشیده است یعنی بدانشجویان اجازه داده است کتابهائی راکه درقسمت Reserve قرار دارد هرشب در موقع تعطیل‌کتابخانه بامانت بگیرند و روز بعد دراول وقت اداری بقسمت مربوط‌کتابخانه مسترد بدارند . ملاحظه بفرمائیدکه روا نمی‌دارند حتی چنین کتابهائی ، بی‌جهت هفت هشت‌ساعت هنگام شب‌که اکثر مردم‌بخواب می‌روند بلااستفاده بماند وطالب علمی ازآنها استفاده‌نکند. کتابخانه‌های ایشان حتی بعضی ازاسناد و مدارك اداری خود رانیز حداکثر بمدت دوساعت دراختیار مراجع قرار می‌دهند تا درخارج ازکتابخانه ازآن استفاده کند ، نگارنده دریکی از همین‌کتابخانه‌ها بنسخه‌ای ازمقررات‌کتابخانه احتیاج داشت‌که در ادارهٔ‌کتابخانه نسخهٔ اضافی موجود نبود ، متصدی مربوط همین کتابچه مقررات راکه ابزارکارش بود فقط بمدت دوساعت دراختیار من‌قرار داد تا دراین‌مدت بتوانم برای خود ازآن فتوکپی تهیه‌کنم (این مقررات عمومی‌کتابخانه بود نه‌آنکه درمورد من‌خاصه خرجی‌کرده باشند) . البته دربرابر این امکاناتی‌که بمراجعان و دانشجویان برای قرض گرفتن‌کتاب داده شده است ، مقررات شداد وغلاظی نیز وجود داردکـه مراجعان را بمراعات کامل و دقیق مقررات‌کـتابخانه و برگردانیدن‌کتاب درساعت مقرر بکتابخانه وا می‌دارد و درصورت تخلف برای هرساعت یا هرروز و یاهرهفته (بستگی بنوع‌کتاب دارد) جریمهٔ نقدی درنظر گرفته شده است تا حدود پنج دلار وده‌دلار، که‌بدون تعارف وسهل‌انگاری از ایشان می گیرند واگر بندرت‌دانشجوئی این مقررات را نادیده‌گرفت ازثبت نام او در دورهٔ تحصیلی بعد جلوگیری می کنند .

باتوجه بدانچه‌گذشت ضرورت تجدیدنظـر در مقررات مالی مربوط بکتابخانه های مدارس و دانشگاههای دولتی وکتابخانه‌های‌عمومی درقسمت‌مورد بحث نیز لازم‌بنظرمی‌رسد، چون براستی دریغ است‌که دولت باخون دل پولی فراهم بکندو دانشکده‌ها ودیگرمؤسسات ازآن محل برای‌کتابخانه‌کتاب بخرند و آنرا چنانکه شاید، و باید در اختیار مشتاقان‌قرار ندهند . هرقانون و مقرراتی تا وقتی محترم است‌که درترقی و تعالی قومی مؤثر باشد،ولی اگر خلاف این بود مقامات مسؤول باید چاره‌ای بیندیشند .

کارکتابخانه‌های ایران نیز ازهمین مقوله است . دراین قسمت نیز مؤسسات ما برای قرض دادن‌کتاب ببودجهٔ اضافی و استخدام کارمندو متخصص جدید نیازمند نیستند ، فقط از وسائل و امکانات موجود باید عاقلانه استفاده‌کرد.

سه موضوع دیگر نیز دربارهٔ‌کتابخانه‌ها درخورعنایت است . نخست‌آنکه ازکتابخانه

هردانشکده دانشجویان دانشکده‌های دیگر نیز باید بتوانند بسهولت استفاده کنند ، در حالی که انجام این امرامروز دراکثر دانشگاههای ما بسهولت میسر نیست ، زیرا دردانشگاههای ما هنوز کتابخانهٔمرکزی که مورد مراجعهٔهمه دانشجویان و استادان باشد وجود نداردوچون کتابهای مربوط بهر دانشکده‌درکتابخانه همان دانشکده نگهداری می‌شود معمولادانشجویان همان دانشکده با ارائه کارت دانشجوئی یا کارت کتابخانه می‌توانند بکتابخانه دانشکده‌خود مراجعه کنند . دیگرآنکه استفاده ازکتابخانه‌های دانشگاه در ایران منحصر به دانشجویان و استادان و اعضای اداری آن دانشگاه است ، و مردم علاقمند شهر بطور مطلق از استفاده کردن ازکتابخانهٔ دانشکده‌ها محرومند ، گرچه درچند سال پیش در مقررات بعضی از کتابخانه‌های دانشگاه تهران چنین مورد پیش‌بینی شده است ولی‌شاید لازم باشدکه این امر دربقیهٔکتابخانه‌ها نیز تعمیم داده شود.

آخرین نکته‌ای‌که دراین باب باید بگویم ، گرچه ممکن است بعقیدهٔ بسیاری هنوز برای ما ضرورتی نداشته باشد ، ولی گفتنش بی‌ضرر بنظر می‌رسد ، آنست که در اکثر کتابخانه‌های‌دانشگاهها وکتابخانه‌های عمومی شهرهائی که‌بدانها اشاره کردم مقرراتی وجود داردکه‌کتابخانه ، دربرابر تقاضای مراجع ،کتابی راکه ندارد ، ولی آن کتاب‌درکتابخانهٔ شهر یا ایالت دیگری موجود است ، برای دانشجو یا مراجع عادی تقاضا می‌کنند و بااخذ مبلغی‌که فقط مخارج حمل ونقل‌کتاب را دربرمی گیرد آن‌کتاب را ازکتابخانهٔ دانشگاه یا کتابخانهٔ عمومی شهر دیگری برای مدتی محدود بکتابخانهٔ خود منتقل می‌سازد و دراختیار مراجع قرار می‌دهد . اگر روزی ما نیز بتوانیم بدین شیوه عمل‌کنیم لااقل گشایش بسیاری درکار دانشگاههای شهرستانها و مؤسسات آموزشی جدیدالتاسیس حاصل خواهد شد .

با توضیح آنچه دراین مختصر بعرض رسید ، بعقیده نگارنده باآنکه درکتابداری تخصصی ندارد ودرکتابخانه‌ها نیز سمتی نداشته ونداردِ ، درمقررات‌کتابخانه‌های ما از چند جهت باید تغییراتی داده و درانجام این‌مهم ازهمه اهل‌فضل و افراد متخصص و صاحب‌نظر و ازهمه‌کسانی که‌کتابخانه‌های دانشگاهها وکتابخانه‌های عمومی اروپا وآمریکا را دیده‌اندباید مدد گرفت.قسمت‌اول این‌تغییرات مربوط بافزایش‌ساعت‌کار کتابخانه‌ها وبازبودن‌کتابخانه‌ها درتمام ایام تعطیل است . اخذ تصمیم دراین باب ، لااقل دردانشگاهها و مدارس عالیه‌کشور بامؤسسه‌ای است‌که کتابخانه وابسته بدانست . قسمت دوم تغییراتی که باید در مقررات کتابخانه‌ها داده شود منوط‌بجلب موافقت مقامات مالی مملکتی است تابتوان‌کتب‌کتابخانه‌ها را فقط در مقابل اخذ رسید بدانشجویان و افراد مجاز بمدت محدود قرض داد . درقسمت سوم باید خبرکتاب و کتابخانه‌ها را عام نمایند تابا شرایطی عام مردم علاقه مند بتوانند از کتابخانه‌های دانشگاهها استفاده‌کنند . دیگر آنکه باید ترتیبی داده شود تالااقل بتوان از کتابخانه‌های دانشگاهها ، بعنوان واسطهٔ نقل وانتقال‌کتاب ازکتابخانهٔ دیگر دانشگاهها در ایران استفاده کرد .

خلاصه آنکه‌کتابخانه درهرمؤسسه‌ای باید همیشه درفعالیت باشد ، نه‌آنکه چراغهای کتابخانه را هرروز درساعت چهارونیم یاشش‌ونیم وهفت بعدازظهر خاموش‌کنیم و کتابها را درهرروز بمدتی طولانی درحبس تاریك نگاه داریم و در روزهای تعطیل نیزکه درکشور ما درهرسال به شصت‌هفتاد روزمی‌رسد باحدی اجازهٔ مراجعهٔ بکتابخانه را ندهیم .